



جلوه‌های ناتورالیسم و فابل در آثار منصور یاقوتی و عباس کاتوزیان

گلاره مرادی^۱ ID^{*}، عبدالناصر نظریانی^۲ ID^{*}، محمدمیر عبیدی‌نیا^۳ ID^{*}

*۱ (نویسنده مسئول) دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه ارومیه، ارومیه، ایران. g.moradi@urmia.ac.ir
۲ استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه ارومیه، ارومیه، ایران. a.nazariani@urmia.ac.ir
۳ دانشیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه ارومیه، ارومیه، ایران. m.obaydina@urmia.ac.ir

چکیده

جلوه‌های ناتورالیسم و فابل یکی از مختصات آثار ادبی و هنری معاصر است. منصور یاقوتی از نویسندگان واقع‌گرای معاصر است که توجه به واقعیت‌های تلخ و دردناک جامعه، بن‌مایه اصلی آثار او را تشکیل می‌دهد. انسان‌های داستان یاقوتی از میان فقرا، معتادان، بزهکاران، کارگران و افراد فرودست جامعه هستند و اسیر زندگی نکبت‌باری که راه‌گیزی برایشان نیست. این تحقیق، مطالعه‌ای نظری است که به‌شیوه کتابخانه‌ای-تحلیلی انجام شده است. محدوده و جامعه مورد مطالعه، آثار منصور یاقوتی شامل مجموعه داستان‌های کوتاه تنهاتر از ماه، داستان‌های آهودره و توشای پرنده غریب زاگرس، داستان بلند پاچوش و رمان بن‌بست هست. یافته‌های پژوهش حاکی از این است ویژگی‌های ناتورالیستی در داستان‌های کوتاه کلاغ‌ها، گوژ، قرنطینه و داستان بلند پاچوش و رمان بن‌بست دیده می‌شود. داستان‌های یاقوتی عمدتاً پایان تلخی دارند. یاقوتی همچنین به‌صورت گسترده از حضور حیوانات در داستانهایش بهره گرفته است. حیوانات یا قهرمان داستانی سمبلیک هستند و یا به‌عنوان بخشی از طبیعت در کنار انسان و یا در تقابل با او حضور دارند و مانند انسان‌های داستان اسیر جبر محیط و تقدیر تغییرناپذیرشان هستند. ناتورالیسم در نقاشی معاصر نیز حضور پررنگی دارد و نمونه‌های برجسته آن را می‌توان در آثار عباس کاتوزیان مشاهده کرد.

اهداف پژوهش:

۱. بررسی جلوه‌های ناتورالیسم و فابل در آثار منصور یاقوتی و عباس کاتوزیان.
۲. بررسی جلوه‌های غالب ناتورالیستی در آثار یاقوتی و کاتوزیان.

سؤالات پژوهش:

۱. جلوه‌های ناتورالیستی و فابل در آثار منصور یاقوتی و عباس کاتوزیان کدام است؟
۲. رویکرد اندیشه‌های ناتورالیستی یاقوتی و کاتوزیان بر کدام وجوه ناتورالیستی بیشتر متمرکز است؟

** این مقاله برگرفته از رساله دکتری "گلاره مرادی" با عنوان "بررسی مفاهیم غنایی در آثار منصور یاقوتی، علی‌اشرف درویشیان و محمدعلی افغانی" است که به راهنمایی دکتر "عبدالناصر نظریانی" و مشاوره دکتر "محمدمیر عبیدی‌نیا" در سال ۱۴۰۰ در دانشگاه "ارومیه" واحد "ادبیات و علوم انسانی" ارائه شده است.

اطلاعات مقاله

مقاله پژوهشی

شماره ۴۷

دوره ۱۹

صفحه ۵۶۴ الی ۵۷۸

تاریخ ارسال مقاله: ۱۴۰۰/۰۶/۰۴

تاریخ داوری: ۱۴۰۰/۰۸/۱۲

تاریخ صدور پذیرش: ۱۴۰۰/۱۰/۲۲

تاریخ انتشار: ۱۴۰۱/۰۹/۰۱

کلمات کلیدی

واقع‌گرایی،
ناتورالیسم،
فابل،
منصور یاقوتی،
عباس کاتوزیان.

ارجاع به این مقاله

مرادی، گلاره، نظریانی، عبدالناصر، عبیدی‌نیا، محمدمیر. (۱۴۰۱). جلوه‌های ناتورالیسم و فابل در آثار منصور یاقوتی و عباس کاتوزیان. مطالعات هنر اسلامی، ۱۹(۴۷)، ۵۶۴-۵۷۸.



dor.net/dor/20.1001.1.1735708.1401.19.47.33.1



dx.doi.org/10.22034/IAS.2022.321523.1823

مقدمه

در میان مکاتب ادبی، ناتورالیسم (طبیعت‌گرایی) بیش از همه به حیوانات و نقش و جایگاه آن‌ها در طبیعت و در رابطه با انسان اهمیت می‌دهد. ناتورالیست‌ها از آن جهت به محیط طبیعی و اجتماعی اهمیت می‌دهند که انسان را تحت سلطه قهری آن می‌دانند. آن‌ها رفتار و سرنوشت آدمی را تحت تأثیر مستقیم فیزیولوژی و توارث می‌دانند. حضور حیوانات در داستان‌ها و حکایات زبان فارسی سابقه‌ای دیرینه دارد و شخصیت‌بخشی و دادن خصوصیات انسانی به آن‌ها، موضوع تازه‌ای در ادبیات و هنر نیست. نویسندگان، شاعران و هنرمندان از حضور حیوانات به صورت تمثیلی بهره برده‌اند. این داستان‌های تمثیلی که «فابل» نامیده می‌شوند، سابقه‌ای بسیار طولانی دارند. از معروف‌ترین آن‌ها می‌توان کلیله و دمنه و مرزبان‌نامه را نام برد.

حضور حیوانات در آثار نویسندگان و هنرمندان معاصر نیز دیده می‌شود. گاه به صورت تمثیلی و سمبلیک و گاه به صورت حقیقی؛ و به عنوان بخشی از جهان هستی که به نوعی با زندگی قهرمان داستان در ارتباط است. صادق هدایت، صادق چوبک و صمد بهرنگی از نویسندگان پیشگام در این زمینه به شمار می‌روند. منصور یاقوتی نیز که یکی از نویسندگان معاصر است به صورت گسترده‌ای از طبیعت و حیوانات در آثارش بهره گرفته است. علاوه بر ادبای معاصر، هنرمندانی چون عباس کاتوزیان نیز در آثار خود به ناتورالیسم توجه داشته‌اند. در پژوهش حاضر بر آنیم بدانیم که آیا می‌توان آثار داستانی منصور یاقوتی و عباس کاتوزیان را ناتورالیستی خواند؟ دیگر اینکه، یاقوتی از حضور حیوانات به صورت سمبلیک بهره گرفته است یا تنها به عنوان بخشی از طبیعت و در ارتباط با انسان.

بررسی پیشینه پژوهش حاکی از این است که تاکنون هیچ اثر مستقلی به بررسی این موضوع پرداخته است. با این حال، پیرامون آثار یاقوتی پژوهش‌های متعددی انجام گرفته که به اختصار به بعضی از آن‌ها اشاره می‌شود: محمودی و شمسی رضایی (۱۳۹۳) در اثری با عنوان «بررسی تطبیقی داستان کوتاه «گل خاص»» به بررسی در این باره پرداخته‌اند. مبارک و آهنگری (۱۳۹۷) در پژوهشی با عنوان «بررسی ویژگی‌های عمومی زنان منطقه غرب کشور در آثار منصور یاقوتی»، مطالعه‌ای را در این زمینه انجام داده‌اند. صفاری (۱۳۹۷) در اثری با عنوان «بررسی ادبیات روستایی در داستان دهقانان منصور یاقوتی» به بررسی آثار یاقوتی پرداخته است. اما در زمینه بررسی ناتورالیسم در آثار یاقوتی پژوهشی صورت نگرفته است.

پژوهش پیش‌رو، مطالعه‌ای نظری است که به شیوه کتابخانه‌ای - تحلیلی انجام شده است. محدوده و جامعه مورد مطالعه آثار منصور یاقوتی شامل مجموعه داستان‌های «کوتاه تنهاتر از ماه»، داستان‌های «آهودره و توشای پرنده غریب زاگرس»، داستان «بلند پاچوش» و رمان «بن بست» هست.

۱. ناتورالیسم

ناتورالیسم (Naturalism) یا طبیعت‌گرایی اصطلاحی است که از فلسفه به ادبیات راه یافته است. ناتورالیسم در مفهوم فلسفی به آن رشته از روش‌های فلسفی اطلاق می‌شود که معتقد به قدرت محض طبیعت (Nature) است و طبیعت را آلتی در دست نظم بالاتری نمی‌شناسد (مدرسی، ۱۳۹۰: ۴۴۵). اما در ادبیات به معنای توضیح و تشریح اوضاع کلی انسان - شخصیت در داستان - در بستر شرایط زمان و مکان (محیط) بر پایهٔ وراثت است (ثروت، ۱۳۸۶: ۱۵۰). به‌گفتهٔ دیدرو (Diderot) (۱۷۸۴-۱۷۱۳) در قرن هجدهم، ناتورالیست‌ها کسانی هستند که حرفه‌شان مشاهدهٔ دقیق طبیعت و یگانه آیین‌شان، آیین طبیعت است (سیدحسینی، ۱۳۹۱: ۳۹۵). طبیعت‌پردازان سدهٔ نوزده به پیروی آیین طبیعت و جبر علمی، روش‌های آزمایشی را پذیرفتند و به موضوع هم‌خونی یا وراثت نیز علاقه نشان دادند. امیل زولا معتقد بود که نویسندگان باید به اکتشاف‌های داروین و برنارد، یعنی نظریهٔ اصل انواع، قاطعیت تأثیر محیط و قوانین وراثت توجه داشته باشند. او به پیروی از برنارد تمامی احساسات و اندیشه‌های آدمی را ثمرهٔ تغییرهایی می‌پندارد که در ساختمان جسمانی او پدیدار می‌شود که خود ساختمان جسمانی نیز بر مبنای قوانین وراثت از سوی مادر به او رسیده است (ادبیات داستانی، قاسم‌نژاد، ۱۳۷۶: ۱۳۳).

ناتورالیسم به‌عنوان جنبش ادبی در دههٔ ۱۸۶۰ میلادی از فرانسه آغاز شد. سپس در کشورهای اروپایی مانند انگلستان، آلمان و آمریکا گسترش یافت. این مکتب، بر پایهٔ نظریه فلسفی طبیعت‌باوری/Naturalism شکل گرفت و در برابر ذهنی‌گرایی و واقع‌گریزی رمانتیسم به مقابله ایستاد (مدرسی، ۱۳۹۰: ۴۴۶). بنابراین در ادبیات، ناتورالیسم به معنای توضیح و تشریح اوضاع کلی انسان - شخصیت در رمان - در بستر شرایط جبر زمان (محیط) و بر پایهٔ وراثت است. با این نگاه، رمان ناتورالیستی رمانی است که می‌کوشد این نظر تازه، دربارهٔ انسانی را که او موجودی متعین از وراثت و محیط و فشارهای لحظه است با حداکثر عینی‌گرایی علمی به نمایش بگذارد (فورست و اسکین، ۱۳۷۵: ۵۱).

۱.۱ ناتورالیسم در ادبیات داستانی و نقاشی ایرانی

نهضت ادبی ناتورالیسم همانند سایر مکاتب غربی از طریق ترجمه‌های دورهٔ مشروطیت، وارد ادبیات داستانی ایران شد و مورد توجه نویسندگان معاصر قرار گرفت. چوبک، پیش‌تاز سبک ناتورالیسم در ایران به‌شمار می‌آید؛ و بیشتر داستان‌های او در این سبک و با این زیربنای اندیشه نوشته شده است. بیشتر شخصیت‌های آثار چوبک، وزندگان اجتماع و اقشار پست و پایین اجتماع‌اند که با مشکلات متعددی مثل: فقر و گرسنگی و جهل و انحرافات متعدد اخلاقی و روانی دست‌به‌گریبان‌اند (عبداللهیان، ۱۳۷۹: ۵۷).

ناتورالیسم در قالب طبیعت‌گرایی از دورهٔ تیموری و مکتب هرات، حضور پررنگی در نقاشی ایرانی داشته است. با دقت در آثار هنرمندانی چون بهزاد می‌توان دریافت که جایگاه عناصر طبیعت در نگرش فکری او همچون سایر هنرمندان مکتب هرات، فارغ از ترسیم نمادهای جغرافیایی، دارای مفهومی مشخص نبود. طبیعت‌گرایی بهزاد، دربرآورندهٔ عناصری چون کوه، رود چمن‌زار، درختان و گل‌ها بود. یکی از لیدعات نوین او پیوند طبیعت واقع‌گرایانه با زندگی روزمره مردم بود. در این دوره و با آثار افرادی چون بهزاد، بهره‌گیری از طراحی قوی، اجزای پیکره‌ها، طبیعت در نقاشی‌های تداوم

یافت (لعل شاطری، ۱۳۹۶: ۲۱). در دوره صفوی (۹۰۷-۱۳۵ ه.ق) به فراخور ارتباط گسترده با جوامع غربی، تغییرات جدیدی در نقاشی و نگارگری این دوره پدید آمد که می‌توان آن‌ها را نمودی از گرایش به دانست. ترسیم تک‌پیکرها و منظره‌پردازی از گرایش‌هایی بود که در نقاشی این دوره پدید آمد. در دوره قاجار و بعد از وقوع انقلاب مشروطه، داده‌های جدیدی از غرب وارد نقاشی ایرانی شد. همین تحول سبب شد تا ناتورالیسم بار دیگر به صورت جدی مورد توجه هنرمندان و نقاشان قرار بگیرد. در این دوره تاریخی نیز ترسیم پیکره‌های درباری، ترسیم چهره و مناظر طبیعی، ترسیم زندگی روزمره از نمودها ناتورالیسم در نقاشی ایرانی بود.

۱.۲. ویژگی‌های آثار ناتورالیستی

ناتورالیست‌ها معتقدند که برای پی‌بردن به مشخصات روحی و اخلاقی یک شخص لازم نیست مستقیماً به بیان ویژگی‌های اخلاقی او پرداخت، بلکه آن‌ها سعی می‌کردند با ارائه مشخصاتی آن، وضع مزاج شخصیت‌های داستان، نتیجه‌گیری در مورد تشخیص حالات روحی و یا خصوصیات اخلاقی قهرمان را به‌عهده خواننده بگذارند. همچنین بر علم وراثت تأکید زیادی داشتند و معتقد بودند که ویژگی‌های جسمی و روحی هر فرد از پدر و مادرش به ارث رسیده است. سرنوشت انسان را وراثت و محیط رقم می‌زند و انسان مقهور این دو عامل است (حسن‌زاده میرعلی و جمعه، ۱۳۹۸: ۱۷۰).

اشخاص داستان‌های ناتورالیستی در اختیار خود نیستند و بیشتر در اختیار شرایطاند. منطقی کنترل نشده از طریق عوامل زیستی، اقتصادی و اجتماعی بر اعمال و سرنوشت آن‌ها حاکم است (ربیعان، ۱۳۷۶: ۱۳۳۳). موضوع داستان‌های ناتورالیستی، زندگی افراد بیمار، ناقص‌الخلقه و زشت، فقیر و فرودست اجتماع است که قادر به تغییر سرنوشت محتوم خود نیستند. تقابل انسان‌های فقیر و غنی، ارباب و رعیت در داستان‌های ناتورال دیده می‌شود. یکی از خدمت‌هایی که مکتب ناتورالیست به ادبیات کرد، همین شکستن حرمت کاذب کلمات و مفاهیم بود. نویسندگان ناتورالیست نیز از این قاعده پیروی کردند و کلمه‌هایی که نویسندگان پیش از ایشان از آوردن آن‌ها ابا و کراهت داشتند در داستان‌هایشان حذف کرده بودند با جسارت تحسین‌برانگیزی در آثارشان به نمایش گذاشتند (میرصادقی، ۱۳۷۶: ۹۸).

ناتورالیست‌ها چیزهای ننگ‌آلود، مضحک و شرم‌آور و حقیرشدن عشق بر اثر سودجویی‌ها را به کرسی اتهام می‌کشاند و نخستین بار عشق به صورت خواست جسمانی و جنسیت به‌عنوان یک تجربه مشروع در آثارشان مطرح می‌شود. ماجرای اغلب داستان‌ها به صورتی جریان می‌یابد که گویی هیچ چیز دیگری به‌جز پلیدی، پریشانی، بی‌عدالتی و ننگ وجود ندارد. تصمیم به برملاکردن همه واقعیت به آنجا می‌کشد که فقط ابتدال روزمره تحلیل می‌شود. زندگی انسانی در زنجیر بی‌رحمانه جبر تاریخی، تکامل زیست‌شناسی، وراثت جسمانی و اجتماعی قرار داده شده است (سیدحسینی، ۱۳۹۱: ۴۱۰-۴۰۹).

ناتورالیست‌ها از آنجاکه انسان را مسئول اعمال خود نمی‌دانند، به همین دلیل هم به سانسور و قراردادهای اخلاق هم پایبند نبوده‌اند (شمیسا، ۱۳۹۰: ۱۰۳). نویسندگان ناتورالیست می‌کوشند در نقل مکالمه هرکسی، همان جملات و

تعبیراتی را به کار برند که خود او استعمال می‌کند. این یکی از مهم‌ترین جنبه‌های واقع‌گرایی ناتورالیست‌ها است که در میان نویسندگان قرن بیستم روزبه‌روز رواج بیشتری پیدا می‌کند (سیدحسینی، ۱۳۹۱: ۴۱۲). در رمان ناتورالیستی امور جزئی مورد توجه قرار می‌گیرد و کوچک‌ترین رفتار و حرکت قهرمان/ قهرملنان داستان از نظر نویسنده دور نمی‌ماند. این تشریح و بیان مانند تحقیق پزشکی و علمی است و نویسنده از آن برای نتیجه‌گیری در جهت کار علمی خود سود می‌برد.

در کار ناتورالیست‌ها، توصیف به‌صورت هنری خودکفا درمی‌آید که محصول تحقیق دقیق برای گردآوری اسناد و مدارک و وصف جزئیات در هرگونه روایتی است (همان: ۴۰۷).

۱.۲. ویژگی‌های ناتورالیستی در آثار یاقوتی و عباس کاتوزیان

فیزیولوژی: داستان قرنطینه: (مجموعه تنهاتر از ماه) «بابای بی‌غیرت که روزی ده تا یه تومنی کاسب نیس، سه تا خواهر کر و لالم داری که خدا زمین‌گیرشان کرده، برن یه لقمه نان در بیارن و بخورن» (یاقوتی، ۱۳۹۰: ۶۱). «یونس با تنها چشمش به او خیره شد و گفت: ... سه روزه بی‌سیگارم» (همان: ۶۱).

داستان گوژ (مجموعه تنهاتر از ماه): «گوژ بر پشت او سنگینی نمی‌کرد، روحش را فشار می‌داد. گوژ، سرتاسر وجودش را انباشته از عقده‌های چرکین کرده بود» (همان: ۱۰۷).

و در داستان رامونا (مجموعه توشای پرنده غریب زاگرس): «آگه مرد بودم از دیوار بالا می‌کشیدم و تو کوچه می‌پریدم و می‌رفتم به شهر. برای یه مرد همه‌جا برای خوابیدن جایی هس، یه مرد میتونه هر جا که دلش می‌خواود بره، مرد آزاده، مته زن اسیر نیس، ما اسیریم سیندخت، ما برده به دنیا آمدیم و برده می‌میریم. آگه زن نبودم یه دقه هم تو این گورستان نمی‌ماندم» (یاقوتی، ۱۳۷۴: ۲۳). تصویر شماره (۱) نیز یکی از نقاشی‌های عباس کاتوزیان است که می‌توان واقع‌گرایی مربوط به زندگی روزمره، پیوند طبیعت و انسان را مشاهده کرد.



تصویر ۱- پیرمرد خوابیده در طبیعت، اثر عباس کاتوزیان، دوره معاصر. منبع (نگارنده)

وراثت: در داستان بلند پاجوش، مادر عبدل خطاب به پسرش: «الهی کور شوی با دروغهایی که سر هم می‌بندی. تو دنبال کار بودیها؟ مگر به پدرت نبرده باشی؟ تخم و ترکه آدم بالیافتی که بستی شما جد اندر جد کهنه‌فروش و علیل و ناخوش بودید (یاقوتی، ۱۳۵۶: ۱۴).

در رمان «بن‌بست»، درگیری سیرنگ با شوهرخواهرش که جای او را به مأموران لو داده: «لابد می‌خواهی ده تا بچه مته خودت تو دنیا ول کنی. انگل و سودجو و برای منافع شخصی به هیچ انسانی رحم نکن...»
-تو را نمی‌کشم، کاری می‌کنم که صاحب بچه نشی...

سیرنگ بی‌اعتنا به تهدیدها و دشنام‌های او، چاقوی تیز را از جیب بیرون آورد، تیغ‌اش را گشود و چند لحظه بعد فریاد جگرخراشی از مختار برخاست و سیرنگ بیضه‌های او را گوشه‌ایی پرت کرد (یاقوتی، ۱۳۸۹: ۱۲۰). تصویر شماره (۲) نیز به‌عنوان یکی از نقاشی‌های ناتورالیستی عباس کاتوزیان، وضعیت طبقات فرودست جامعه را به تصویر کشیده است.



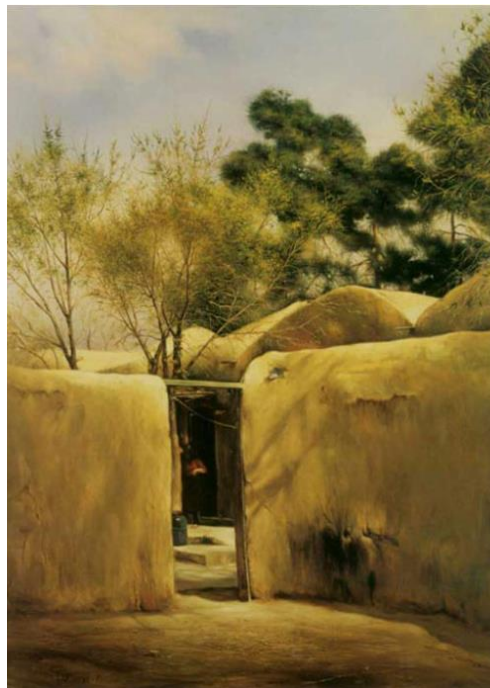
تصویر ۲: نقاشی مادر و فرزندان، از عباس کاتوزیان، دوره معاصر. منبع: (نگارنده)

شکستن حرمت کلمات: در داستان قرنطینه، یونس در لحظه ورود به قرنطینه توسط معتادان دوره می‌شود و همه لباس‌هایش را برای یافتن مواد جستجو می‌کنند: «دروغ میگه تو شکمش قایم کرده!- برو مستراح بدش بیرون ثواب داره!- رأس میگه داداش، برو... روت نمیشه اونجا بشینی چشمامونو می‌بندیم. بادی هم آگه در رفت نشنیده می‌گیریم!- پس چرا معطلی؟ برمی‌گردیم... برو... برو دِ خواهر/ مستراح که گوشه اتاق بود نه در داشت و نه پرده‌ای بر آن آویزان بود. هر تازه‌واردی که روی آن می‌نشست ده‌ها نفر معتاد او را در محاصره‌ی خود می‌گرفتند و به تهیگاه

برهنه‌اش خیره می‌شدند که چه وقت بسته‌های مواد بیرون بیاید و آن‌ها حریصانه بقاپند و بر سر تصرفشان کشمکش‌های خونین راه بیندازند (یاقوتی، ۱۳۹۰: ۶۰).

در داستان بلند پاچوش وقتی احمدآقا جگرکی قصد تعرض به عدل را دارد: «عدل با آرنج توی سینه احمدآقا کوبید. داد زد: ولم کن... مادر قحبه...» (یاقوتی، ۱۳۵۶: ۵۴).

شرح جزئیات شخصیت‌ها، مکان‌ها و حوادث داستان: داستان پاچوش توصیف دکان جگرفروشی اولین بار که عدل وارد آنجا می‌شود: «دکان خیلی کوچک بود. جا برای نشستن بیشتر از چهار نفر نداشت. چهار تا صندلی و دو تا میز کوچک دکان را اشغال کرده بودند. چراغ علاءالدینی دکان را گرم می‌کرد. در یک گوشه سه پایه‌ای قرار داشت. روی دیوار، تصویری از «علی» در قاپی چوبی و کثیف قرار داشت. «علی» ذوالفقارش را روی زانو گذاشته و زره آستین‌کوتاهی پوشیده بود. در چهره‌اش، صلابت و نیرو و تصمیم بود. در گوشه‌ای دیگر تصویری از «مریم» که فرزندش عیسی را در آغوش گرفته و بامحبت به او می‌نگریست. درجایی دیگر، تصویر تمام قدی از گوگوش و در کنار آن عکسی رنگی از چند تا فوتبالیست... روی سکویی، در گوشه دکان، نزدیک در، کاردی که تیغه پهن و تیزی داشت و آن طرفتر، تو طشتکی، لته‌یی جگر و چند تا دل و قلوه و بغل‌دستش تخته‌یی چوبی و خون‌آلود قرار داشت (همان: ۴۵). در تصویر شماره (۳) نیز می‌توان نمودی از ناتورالیسم را در مکان‌پردازی عباس کاتوزیان مشاهده کرد.



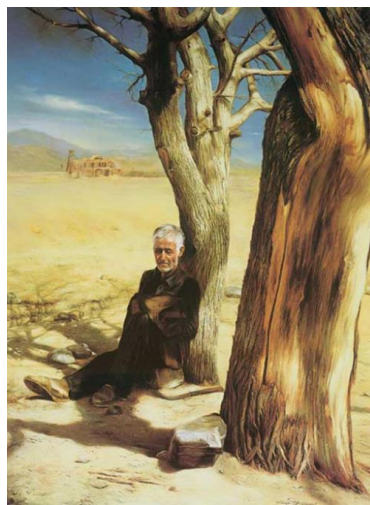
تصویر ۳: منظره طبیعت، از عباس کاتوزیان. دوره معاصر، منبع: (نگارنده)

توصیف ظاهر احمدآقا جگرکی: جگرفروش سی‌وپنج‌ساله داشت. رنگ چهره‌اش تیره بود و سبیل‌های حنایی رنگش را با دقت در گوشه‌ی لب‌ها جمع کرده بود. چشمانش زاغ و لب‌هایش قلوه‌ای و نگاهش گستاخ بود. سیگار اشنو می‌کشید (همان: ۴۵). توصیف دقیق چهره به‌عنوان یکی از ارکان ناتورالیسم در نقاشی‌های عباس کاتوزیان نیز قابل مشاهده است. تصویر شماره (۴) یکی از این موارد است.



تصویر ۴- چهره پردازی پیرمرد. اثر عباس کاتوزیان، دوره معاصر. منبع: (نگارنده)

توصیف صحنه دعوی پدر و مادر یونس در داستان کوتاه قرنطینه (مجموعه تنهاتر از ماه): هنگامی که پا به درون حیاط گذاشت که طبل دعوا از صدا افتاده بود و مادرش با لب شکافته و خون چکان، دندان شکسته‌اش را کف دست گرفته و آن را تماشا می‌کرد. انبوهی از موهای مشکی سرش هم به شاخ و برگ بوته نیلوفر کبود پیچیده بود. ناخن مادر گونه‌های پدرش را چنگ زده و به خون انداخته بود. انگار گربه به آن چهره‌ی زردرنگ و پلاسیده ناخن کشیده بود. پیراهن مندرس پدر تا پایین جرخورده و در جستجوی دگمه‌های کنده‌شده کف حیاط را می‌کاوید. خواهرانش با چشمان وحشت‌زده، موهای آشفته، لباس‌های کهنه و پاره، چهره‌های زردرنگ در گوشه‌ای می‌لرزیدند و صداهای نامفهومی که به خرخر جانوری سربریده شبیه بود از گلو بیرون می‌دادند. / سفره‌ی خالی نان در وسط حیاط پرتاب‌شده و کوزه شکسته آب در کنارش متلاشی شده بود (یاقوتی، ۱۳۹۰: ۶۳). پرداختن به زندگی روستاییان علاوه بر ادبیات ناتورالیستی در نقاشی نیز دیده می‌شود. اثر زیر که یک مرد روستایی را ترسیم کرده است از آثار ناتورالیستی عباس کاتوزیان است.



تصویر ۵: پیرمرد روستایی، اثر عباس کاتوزیان، دورل معاصر، منبع: (نگارنده)

زشت‌نگاری (پرداختن به زندگی بینوایان، روستاییان و افرادی که اسیر جهل و خرافات‌اند، اعتیاد و زندگی معتادان و بزهکاران عموماً نوجوان، انحرافات اخلاقی و تجاوز، مشکلات روحی و معیشتی افراد ناقص‌الخلقه و زشت، مرگ، اعدام و خودکشی، یأس و ناامیدی حاکم بر فضا و شخصیت‌های داستان، زندان و شکنجه، ستم و بی‌رحمی انسان‌ها نسبت به یکدیگر).

داستان بلند پاجوش عبدل نوجوان برای اینکه کمکی به خانواده تنگدستش بکند شاگرد پیرمرد کبابی می‌شود اما خیلی زود با چهره واقعی او آشنا می‌شود: «پایین‌تر را بمال»/ عبدل ناچار شد که عقب‌تر برود. پیرمرد گفت: «پایین‌تر... پایین‌تر...»/ چهره عبدل یکپارچه سرخ شد. مجبور شد روی کفل پیرمرد بنشیند. تنش مورمور شد و احساس سردی می‌کرد. پیرمرد یک‌طرف صورتش را روی پتو گذاشته و بیرون را می‌پایید و کفل پیرمرد در زیر عبدل جنبیدن گرفت (یاقوتی، ۱۳۵۶: ۳۱). و بعد که شاگرد مرد جگرفروش می‌شود بار دیگر با چهره و خوی حیوانی انسانی دیگر آشنا می‌شود: «احمدآقا، با یکدست کمر عبدل را گرفت و با دست دیگر، با حرکتی سریع، شلوار و زیرشلوار عبدل را پایین کشید» (همان: ۵۴). و درنهایت عبدل برای دفاع از شرافتش دستش به خون مرد جگرفروش آلوده می‌شود: «دست عبدل به‌سوی کارد قصابی رفت دسته کارد را در مشت فشرد و تیغۀ کارد را تا دسته توی شکم جگرفروش جا داد. جگری، بی‌آنکه فریادی بکشد، خم شد، مشتت خون از دهانش بیرون پرید. دهانش بازماند و در چشمانش شهوت مرگ جوشید، زانوهایش خم گشت. عبدل برگشت، تخته ضخیم و خون‌آلود را برداشت و با تمام قوا بر کله جگرفروش کوبید. جگرفروش با سینه روی زمین افتاد و خون از شکم و سرش روی کف اتاق جوشید (همان: ۵۴).

یاقوتی در داستان کوتاه کلاغ‌ها (مجموعه تنهاتر از ماه) تابلوهایی از زشتی، دنائت و بی‌رحمی دنیای آدم‌ها به تصویر می‌کشد: «کلاغ‌ها در پناه بام خانه‌ای پناه گرفتند و نظاره‌گر زدو خورد جانوران دوپا شدند. مردی با ساطور شکم مرد دیگر را از یک سمت تا سمت دیگر پاره کرد و روده‌هایش را بیرون ریخت. زنی با تبر بر ستون فقرات مرد ساطور به دست کوبید و تقلا کرد که تبر را بیرون بیاورد اما موفق نشد. مرد که ساطور نخاعش را پاره کرده بود، سر خود را چنان به دیوار کوبید که مغزش بیرون پرید. کلاغ‌ها وحشت‌زده بام بلند را ترک کرده و گریختند (یاقوتی، ۱۳۹۰: ۴۶). در داستان آخر خط (مجموعه توشای پرنده غریب زاگرس) راوی در زندان شخصی را می‌بیند که بسیار شبیه دوست دوران دبیرستانش بوده: پرسیدم: /- شما با فرخ نسبتی دارین؟ /- پسرعمویش هستم. / دلم لرزید، با اشتیاق پرسیدم: /- حالش چطور؟ /- خوبه؟ /- خودکشی کرد، خیلی وقته، به آخر خط رسیده بود (توشای پرنده غریب زاگرس، یاقوتی: ص ۷۶).

در داستان رامونا از همین مجموعه، سفر خیالی رامونا به خانه کودکی‌هایش: «رامونا تمامی زوایای حیاط را دید زد، از همه‌جا بوی پوسیدگی، بوی ملال و آهنگ خفه سکوت می‌آمد. گیاهان هرز باغچه را پوشانده بودند. حوض از لجن و آب بویناک پر شده بود. پرستوی مرده‌ای را که گوشه باغچه خاک کرده بود و روی آن بوته‌ای یاس زرد و خوشبو کاشته بود، اکنون یاس خشک شده بود اما انگار در بطن هر تکه آجر یا هر ذره خاک بوی کودکی او می‌آمد. این بوی غریب و غمناک و رازآلود همه‌جا را انباشته بود (همان: ۲۶).

در داستان بلند پاجوش ظاهر زشت زن همسایه که نتیجه سرنوشت تلخ اوست: «عمه گل اندام زن با بنیه و آبله رویی بود. شوهر سابقش، بینی او را از وسط به پایین با چاقو بریده بود و دور انداخته بود. اکنون به جای بینی دو تا سوراخ نفرت انگیز روی صورت آبله گونش دیده می‌شد. عمه گل اندام برخلاف صورت زشتش قلب مهربانی داشت» (یاقوتی، ۱۵۶: ۱۰).

در داستان گیوتین (مجموعه توشای پرنده غریب زاگرس)، قطع شدن دست کارگر نوجوان زیر دستگاه پرس: «شهباز نعره می‌کشید و روی پرس افتاده بود و باریکه‌ای خون از زیر دستش راه گرفته بود. جوهر، منقلب و آشفته و دردمند، انگشت روی دکمه زرد گذاشت. تیغ‌های خون‌آلود پرس بالا رفت. دست شهباز با برگردان گل سرخ عجین شده بود (یاقوتی، ۱۳۷۴: ۸۴-۸۳).

به‌کارگیری زبان محاوره: داستان بلند «گل خاص» از مجموعه «داستان‌های آهودره»: «آخرش گاری به یک نفر هرسینی برخورد که روی یک دو نفر دیگر افتاد و بلند شد و با زبانی که آمیزه‌ای از لهجه هرسینی و فارسی بود گفت: /- بوچه خبردار نمیگی پدرگمال؟! عمو کاظم که چهره‌اش از خشم و ناراحتی افروخته شده بود، فریاد زد- برو پی کارت یابو... یادش رفته با «خرسه وه‌ته» آوردنش شهر. / هرسینی فریاد زد /- یابو پدرته... ریش زرد» (یاقوتی، ۱۳۹۱: ۷۲). در داستان «کوچه» از همین مجموعه: «حرامزاده‌ها... یالا... تا پوست از کله‌تان نکنم گم و گورشید. / سرنازن که رنگ از رویش رفته بود با لحن کینه‌توزانه‌ای گفت: /- بچه‌ها خواستن، چرا می‌زنی؟ ... آهای «قباد»... برو آجانی بیار، این ننه خیز خیال کرده دنیا بی‌صاحبه... مادر... /... قباد که می‌دوید فریاد زن: /- من رفتم پاسبان بیارم... شکم گنده‌ی کون خر... (همان: ۱۰۱).

مخالفت با قراردادهای اخلاقی و باورهای مذهبی: داستان «سال کورپه» از همین مجموعه، عشق بهرامی به زن عمویش «گلباخی» گستاخانه و بی‌پروا مطرح می‌شود، در یکی از روزهایی که بهرامی زنش نیم‌تاج را به قصد کشت کتک می‌زند، مادر کدخدا مداخله می‌کند: «خدا لعنتت کند، کور نکبتی... از این زن بیچاره چه می‌خواهی؟ ای عاشق کون لخت... هوای بهار مسست کرده و یاد آن «گلباخی» پتیاره افتادی؟ گلباخی تحریکت کرده؟ (همان: ۲۲۲). «عاشق را پروای نام و ننگ نیست. نه پروای نیش بدخواهان و نه بیم از تازیانه و زنجیر. این جور بود که گلباخی طاقت نیاورد. بی‌اعتنا به همه سنت‌ها و قراردادهای برخاست، بیرون رفت و در را پشت سر خود قفل کرد. از چند پله فرسوده پایین کشیده به حیاط رسید، در اتاق را گشود و تو رفت (همان: ۲۴۷-۲۴۶).

پایان تلخ: داستان‌های پاجوش، زیر پل پای درخت، قضیه شیشه‌های مربا، گل خاص، کوچه، آهو، سال کورپه، چراغی بر فراز مادیان کوه، تنهاتر از ماه، خنده، کلاغ‌ها، قرنطینه، اعتصاب، تلخ، رامونا، گزارش، افعی، آخر خط، گیوتین، زیر آفتاب و بیشتر داستان‌ها پایانی تلخ دارند، که یکی از ویژگی‌های اصلی آثار ناتورالیستی است.

علاوه بر ویژگی‌های یادشده، یاقوتی در چند جا به شیوه نگارش داستان‌هایش اشاره می‌کند. در داستان «زخم» با حضور پسامدرنی نویسنده مواجه می‌شویم در گفتگو با دوستانش: هوشنگ که با خشم مشت‌هایش را تکان می‌داد از زاویه‌ای دیگر به انتقاد مجموعه داستان پرداخت: /- تو در نوشته‌هایت اکثراً آدم‌های سرخورده معرفی می‌کنی، آدم‌های نومید که در بیشتر موارد شکست می‌خورند و حتی محض نمونه یکی از آن‌ها پیروز شده‌اند. این چه نشان می‌دهد؟

جز آن که نویسنده روحی بیمار و افسرده و ناتوان دارد؟ تنها ارواح بیمار و ضعیف و مسلول منقاد به خلق چنین آثاری هستند، وگرنه چه مفهومی دارد که نویسنده مخصوصاً روی این تیپ آدم‌ها تأکید کند؟/ بهزاد در تصدیق اظهارات هوشنگ گفت^۱/ درست است، تو در نوشته‌هایت آیه یأس و تاریکی صادر می‌کنی (داستان‌های آهودره، یاقوتی، ص ۵۶). و یا در رمان «بن‌بست» دوستان سیرنگ از او می‌پرسند چرا آن بلا را سر شوهر خواهرش آورده: «همه خندیده بودند و پانته‌آ پرسیده بود:/- حالا چرا بنده خدا رو اخته‌اش کردی؟/ سیرنگ به نرمی زیر لب خندیده و گفته بود:/- خب این جور آدم‌ها بهتره تخم‌وتر که نداشته باشن!/ سیمین گفته بود:/- به خیال سیرنگ از طریق «ژن» و وراثت، خون خیانت تو زندگی بچه‌های جریان میافته، ناتورالیستی فکر می‌کرده.../ من معنی این لغات را نمی‌فهمم، «ژن»، «توراث»، «ناتورالیس» آخه شما در سطح فکر من چرا حرف نمی‌زنید (یاقوتی، ۱۳۹۱: ۲۲۸-۲۲۷). و یا اشاره به نام صادق چوبک، نویسنده شاخص ناتورالیست در ادبیات داستانی ایران، در داستان پاجوش، شبی که عبدل در دارالتأدیب به‌سر می‌برد: «عبدل عنوان کتاب را خواند. رویش نوشته شده بود: «سنگ صبور» و پایین کتاب، با خط خوش: «صادق چوبک» (یاقوتی، ۱۳۶۵: ۷۲۹).

و در آخر به یکی از مهم‌ترین عناصر در داستان‌های یاقوتی می‌پردازیم و آن حضور پررنگ حیوانات است؛ اهلی و وحشی، در کنار انسان و یا در تقابل با او و در بیشتر موارد آسیب دیده و زخم خورده از خوی وحشی انسان. یاقوتی در مواردی نیز از حیوانات به صورت سمبلیک و نمادین بهره می‌گیرد.

داستان‌هایی که در آن‌ها حیوانات مورد اذیت و آزار سبعانه انسان‌ها قرار می‌گیرند: کلاغ‌ها، آهن و زمین سبز، تنهاتر از ماه، افعی، اسب تاماس خان، گوژ، پاجوش. در داستان آهن و زمین سبز کارهای سبعانه راننده بولدوزری که زمین‌های کشاورزی را برای ساختن کارخانه هموار می‌کند: «راننده بولدوزر تیغه سخت و براق آن را به برجستگی علفزار بند کرد. از زیر خاک‌ها، آفتاب‌پرستی با نوار زردرنگ کنار پهلویش که نیمی از دمش بریده شده بود، بیرون افتاد و در مقابل هیولای آهنی که او را تهدید می‌کرد، به دهان گشود. راننده، آفتاب‌پرست را دید و تیغه بولدوزر را بلند کرد و چرخ‌های آهنی را که به شدت صدا می‌کرد به سمت آفتاب‌پرست حرکت داد. آفتاب‌پرست که گیج و منگ بود دهانش را گشود تا هیولای آهنی به‌سوی او حرکت نکند، اما نوار آهنی او را زیر فشار خردکننده‌اش له کرد. راننده با صدای بلند زیر خنده زد و مغرور و فاتح عقب‌گرد کرد (یاقوتی، ۱۳۷۴: ۹۱).

و در داستان «گوژ» مردی گوژپشت که عقده‌های انباشته‌شده‌اش را بر سر توله‌سگی بی‌پناه خالی می‌کند: «سگ بااحتیاط داخل راهرو رفت و استخوان را برگرفت اما پیش از آنکه موفق شود که برگردد، به‌چابکی در را به روی سگ بست. نگاه سگ پر از بیم شد و استخوان از دهانش افتاد. به‌تندی برگشت و از میان انباری دسته کلنگی برداشت و سراغ سگ رفت. سگ پنجه سفید و موحنایی به او و به چوب خیره گردید و نگاهش پر از نگرانی و التماس شد. دسته کلنگ را تو هوا بلند کرد و با تمام قدرت بر کمر سگ کوبید، سگ از درد نالید و زوزه کشان به‌سوی حیاط دوید (یاقوتی، ۱۳۹۰: ۱۰۶-۱۰۵).

در تعدادی از داستان‌های یاقوتی هستند انسان‌هایی هم که به حیوانات عشق می‌ورزند و به آن‌ها حسی دارند که نسبت به خانواده و عزیزانشان دارند؛ چراغ در داستان «چراغی بر فراز مادیان کوه»، زانا در «آهن و زمین سبز»، مرد

کوهنورد در «اسب تاماس خان» میرزا قاسم در داستان «مدعی». اما بهترین نمونه در این زمینه، عمو کاظم در داستان «گل خاص» است. میان عمو کاظم و گل خاص، رابطه عاطفی آن چنان عمیقی حاکم است که او را در حکم یکی از اعضای خانواده اش می بیند: -آی... گل خاص... دوست قدیمی من، ولد چموش، تو هم خوب می دانی که عمو شوخی می کند... شش سر هم عائله دارم. با تو می شویم هفت تا. / و اسب سرش را تکان می داد، چشمانش از سر شفقت و مهر پر می شد، گوش هایش را با ریتم مشخص بالا و پایین می برد و دندان های سفیدش را نشان می داد عمو فکر می کرد که می خندد (یاقوتی، ۱۳۹۱: ۶۸).

حضور حیوانات در چند داستان یاقوتی به صورت سمبلیک است و بدین وسیله تلاش می کند، بحران های اجتماعی جامعه و نسل خود را در آثارش بازتاب دهد. داستان های شیر، زنبور دانا، بدبده، گرگ، روباه ها که قهرمان داستان حیوانات هستند، قابل محسوب می شود. این فابل ها تمثیلی هستند از هم نسلان یاقوتی و فعالیت های مردمی علیه رژیم مستبد حاکم در راستای رسیدن به حقوق و آزادی های سلب شده شان. کژوری های حزبی، زندانی و اعدام شدن رهبران مبارز و ادامه یافتن راه آنان توسط دیگر مبارزان، از عمده پیام های این فابل ها هستند.

«گرگ مرگ خود را به چشم می دید و دلتنگ نبود. می دانست که بچه هایش، جفتش، از کوه پایین خواهند آمد و خونس را با زبان خواهند لیسید و زوزه خواهند کشید. زوزه هایی که بوی نفرت بوی خشم، بوی خون خواهند داد. و به دشت خواهند زد، خشمناک و کینه جو به دشت خواهند زد که خواب دشتبانان و دژنشینان را بیاشوبند و یاد گرگ بزرگ را پاس بدارن (یاقوتی، ۱۳۸۹: ۱۷).

«شیر گوشت را رها کرد و از قفس بیرون پرید. بیرون از قفس شیر چند لحظه ای ایستاد. آنگاه غرشی که خواب شهر کوچک را برآشفته از گلو برآورد. شیر پنجه بر دل تاریکی نهاد (یاقوتی، ۱۳۷۴: ۱۱۶).

در تعدادی از داستان های یاقوتی انسان و حیوان مقابل هم قرار می گیرند و به پیروی از غریزه هر کدام برای حفظ موجودیت خود تلاش می کنند. در این نبرد گاه انسان و گاهی حیوان مغلوب می شود؛ مانند کشته شدن مرد ساطور به دست با ضربه سم اسب در داستان «اسب تاماس خان»، درگیری احمد شکارچی با افعی که احمد جفتش را کشته در داستان «افعی»، جدال سیرنگ با مار و کشتن آن در رمان «بن بست»، خورده شدن یعقوب کودک دبستانی توسط گرگ ها در داستان «زیر پل پای درخت»، درگیری عبدل نوجوان با سگی ولگرد به خاطر چند دانه شیرینی در میان زباله دانی در داستان «پاجوش» و موارد دیگر.

«عبدل خم شد که پاکت را بردارد. سگ که بو برده بود توی پاکت چیز خوردنی هست، پارس کرد. عبدل لگدی حواله سگ کرد. سگ عقب رفت، پارس کرد و جلو آمد. عبدل خم شد و قوطی حلبی را که جلو پایش بود برداشت و به سوی سگ انداخت. سگ چند قدم عقب رفت، بعد برگشت و دندان هایش را نشان داد و پارس کرد. آب از دهان سگ جاری شده بود. دهان عبدل هم آب افتاده بود (یاقوتی، ۱۳۵۶: ۲).

«مرد ساطور به دست فرصت پیدا کرد و با ساطور ضربه ای به ران اسب زد. خون به چهره ضارب پاشیده شد. مرد با آستین خون را از چهره پاک کرد و از جهتی دیگر به سوی اسب حمله برد. اسب سر پا بلند شد. شیحه کشید و با

ضربه سم بر شقیقه مرد ساطور به دست کوبید. ساطور گوشه‌ای پرت شد. مرد نعره‌ای کشید و کف حیاط در غلتید، چند تکان خورد و نفسش بند آمد (یاقوتی، ۱۳۹۰: ۵۱).

نتیجه‌گیری

منصور یاقوتی به‌عنوان نویسنده‌ای رئالیست، واقعیت‌های موجود در جامعه را در آثارش منعکس می‌کند. هرچند گاهی در انعکاس این واقعیت‌ها مبالغه می‌کند. اما هدف او تنها نمایش وضع جامعه است. رئالیسم یاقوتی با زبانی تلخ اما بی‌طرف روایت می‌شود. او قصد ندارد حس ترحم و همدردی مخاطب را برانگیزد. شخصیت‌های داستان یاقوتی از میان فقرا، معتادان، نوجوانان بزهکار، روستاییان ستمدیده از نظام ارباب‌رعیتی، شهرنشینان مسکین، کارگران، انسان‌های معیوب و ناقص‌الخلقه هستند که با فقر و بی‌کاری، گرسنگی، جهل و خرافات و انحرافات متعدد اخلاقی و روانی دست به گریبان‌اند و گاه تا حد حیوان‌واره‌ای فرومایه سقوط می‌کنند. انسان‌های داستان یاقوتی اسیر سرنوشت محتوم خود هستند و هرچند تلاش می‌کنند، نمی‌توانند از چنگال زندگی نکبت‌بارشان رهایی یابند. پایان تلخ بیشتر داستان‌ها شاهدهی بر این مدعاست.

چنان‌که مرور شد، بیشتر داستان‌های یاقوتی مستقیم با غیرمستقیم به زندگی حیوانات مربوط است. با دقت در این داستان‌ها به اندیشه‌های یاقوتی که تحت تأثیر جامعه زمان اوست، پی می‌بریم. جامعه‌ای که در آن روشنفکران و مبارزان راه آزادی شکنجه، زندانی و اعدام می‌شوند؛ جامعه استبدادزده دهه‌های چهل و پنجاه. ظلم و بیداد، فقر و نکبت و فلاکت مردم را در بر گرفته و راه‌گریزی نیست. بدیهی است در چنین جامعه‌ای نویسنده نمی‌تواند آزادانه اندیشه‌ها و آرمان‌هایش را بیان کند و اینجاست که سمبل‌ها وارد ادبیات می‌شوند و حیوانات جایگزین انسان‌ها.

همچنین حیوانات به‌عنوان بخشی از نظام هستی در کنار انسان‌ها حضور فعالی در داستان‌های یاقوتی دارند. ارتباط بین انسان و حیوان و توصیف زندگی و رنج حیوانات، یکی از جنبه‌های اصلی کار او را تشکیل می‌دهد. یاقوتی علاوه بر توصیف و شخصیت‌پردازی حیوانات، با نفوذ به جنبه‌های درونی آن‌ها بین انسان و حیوان تشابه قرار داده است. هر دو، بخشی از نظام هستی و تحت تأثیر غرایزشان.

نکته‌ای که باید خاطر نشان ساخت این است که جلوه‌گاه آثار نویسندگان ناتورالیست غربی، رمان است. اما یاقوتی داستانی کوتاه را انتخاب کرده و از آنجایی که داستان کوتاه مانند رمان گسترده نیست، نویسنده با محدودیت‌هایی روبه‌رو می‌شود و نمی‌تواند تمامی ویژگی‌های ناتورالیسم را در آثارش نشان دهد. همچنین ناتورالیست‌ها بیشتر بر جنبه‌های بیرونی و خصلت‌های حیوانی انسان تأکید می‌کنند و از طرح احساسات و عواطف او خودداری می‌کنند. اما یاقوتی علیرغم روایت زشتی‌ها، تلخی‌ها و ناکامی‌ها که ویژگی اصلی کار طبیعت‌گرایان است، در کنه آثار خود احساسات عمیق انسانی را مطرح می‌کند. حتی حیوان‌های داستان او غم، شادی، مهربانی و ناامیدی را همچون انسان‌ها درک می‌کنند. نکته دیگر اینکه حضور نمادین و تمثیلی حیوانات در آثار یاقوتی مخالف اصول ناتورالیسم است و گرایشی است به سمبولیسم، مکتبی که بعد از ناتورالیسم ظهور یافت.

تعدادی از ویژگی‌های ناتورالیسم را نمی‌توان در جامعه اسلامی بیان نمود به‌عنوان مثال پرداختن به جنبه‌های جسمانی و غریزی عشق، یا بیان بعضی سخنان و آنچه در جامعه تابو محسوب می‌شود. یاقوتی آنجا که به بیان زشتی‌ها، فجایع و نکبت‌های موجود در زندگی افراد جامعه می‌پردازد و سرنوشت آن‌ها را تحت تأثیر مستقیم جبر محیط و طبیعت و ناشی از فیزیولوژی و وراثت می‌داند و بی‌طرفانه به روایت آنچه که هست می‌پردازد و حیوانات در کنار انسان‌ها به‌عنوان عضوی از نظام هستی حضور دارند، نویسندگانی ناتورالیست محسوب می‌شوند. اما جایی که از حیوانات به‌عنوان سمبل و نماد بهره می‌گیرد، دیگر نمی‌توان او را نویسنده‌ای ناتورالیست خواند.

منابع

کتاب‌ها

- ربیعیان، محمدرضا. (۱۳۷۶). *دانشنامه ادب فارسی*. جلد دو، تهران: سازمان چاپ و انتشارات.
- سیدحسینی، رضا. (۱۳۹۱). *مکتب‌های ادبی*. جلد اول، چاپ هفدهم، تهران: انتشارات نگاه.
- شمیسا، سیروس. (۱۳۹۰). *مکتب‌های ادبی*. چاپ اول، تهران: نشر قطره.
- عبداللهیان، حمید. (۱۳۷۹). *کارنامه نثر معاصر*. چاپ اول، تهران: انتشارات پایا.
- فورست، لیلیان و اسکین، پیتر. (۱۳۷۵). *ناتورالیسم*. ترجمه: محسن افشار، چاپ اول، تهران: نشر مرکز.
- قاسم‌نژاد، علی. (۱۳۷۶). *ادبیات داستانی، دانشنامه ادب فارسی ۲*. چاپ اول، تهران: سازمان چاپ و انتشارات.
- مدرسی، فاطمه. (۱۳۹۰). *فرهنگ توصیفی نقد و نظریه‌های ادبی*. چاپ اول، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- میرصادقی، جمال. (۱۳۸۳). *داستان‌های نام‌آور ایران*. چاپ اول، تهران: نشر اشاره.
- میرصادقی، جمال. (۱۳۷۶). *ادبیات داستانی (قصه، رمانس، داستان کوتاه، رمان)*. چاپ سوم، تهران: انتشارات علمی.
- یاقوتی، منصور. (۱۳۸۹). *بن‌بست*. چاپ اول، تهران: انتشارات افراز.
- یاقوتی، منصور. (۱۳۶۵). *پاجوش*. چاپ اول، تهران: نشر آینده.
- یاقوتی، منصور. (۱۳۹۰). *تنهاتر از ماه*. چاپ اول، تهران: انتشارات آزادمهر.
- یاقوتی، منصور. (۱۳۷۴). *توشای پرنده غریب زاگرس*. چاپ اول، تهران: نشر آروین.
- یاقوتی، منصور. (۱۳۹۱). *داستان‌های آهودره*. چاپ اول، تهران: انتشارات شباهنگ.

مقالات

- ثروت، منصور. (۱۳۸۶). «مکتب ناتورالیسم». *پژوهشنامه علوم انسانی*، ۵۴، صص ۱۹۶-۱۷۷.
- حسن‌زاده میرعلی، عبدالله؛ جمعه، معصومه. (۱۳۹۸). «ناتورالیسم و فابل با نگاهی بر آثار صادق چوبک». *مجله تاریخ ادبیات*، ۳(۷۳)، صص ۱۸۳-۱۶۷.